چرا کی‌روش برای ماندن تردید دارد؟

بزنگاهی که کفاشیان باید انتخاب کند؛ حمایت یا قطع همکاری

آرمن ساروخانیان
Armen Sarookhanian

بعد از برد ۶ - صفر در دورترین نقطه آسیا، ظاهرا کی‌روش نباید دلیلی برای ناراحتی داشته باشد، ولی سرمربی تیم ملی در کنفرانس مطبوعاتی بعد از بازی با گوام از ناامیدی‌اش برای ادامه مسیر مرحله مقدماتی گفت. همان تردیدهایی که یک روز قبل از بازی خبرش از ۹ کیلومتر آنطرف‌تر به تهران رسید و حتی تکذیب تیتر ایران ورزشی از سوی افشین پیروانی در برنامه نود هم نتوانست حقیقت ماجرا را تغییر دهد. کی‌روش بر این باور است که ادامه مسیر با این شرایط غیرممکن است و برای اولین بار در ماه‌های اخیر، رفتن گزینه بهتری از ماندن و جنگیدن است. بررسی وقایع ماه‌های اخیر هم نشان می‌دهد که مربی پرتغالی تحلیل درستی از شرایط دارد. بدون پشتیبانی ستادی، او در مراحل بالاتر توان رقابت با تیم‌های مدعی قاره را نخواهد داشت.

این اولین بار نیست که کی‌روش از کمبود امکانات و حمایت نشدن تیمش می‌نالد. سرمربی تیم ملی در ۵ سال گذشته چند بار بحث استعفا را مطرح کرد و توانست امتیازاتی از فدراسیون فوتبال و وزارت ورزش برای تیم ملی و خودش بگیرد. تهدید جدید می‌تواند مثل دفعات قبل ترفندی برای جلب حمایت باشد. با این تفاوت مهم که کی‌روش هیچ‌وقت در فوتبال ایران چنین موقعیت شکننده‌ای نداشته است. کفاشیان همیشه حامی مربی‌اش بوده و برخورد محترمانه‌ای داشته، ولی رییس فدراسیون در هفته‌های گذشته برای اولین بار از موضع مدیر بالادستی کی‌روش را ممنوع‌المصاحبه کرد. در جریان مشاجرات اخیر با دبیر فدراسیون، اتهامات تندی علیه کی‌روش مطرح شد که به محبوبیت و جایگاه این مربی آسیب جدی زد. اگر کی‌روش در روزهای اول ورود به ایران با رزومه پربارش شناخته می‌شد و بعد از آن هم با صعود به جام جهانی و مبارزه پایاپای با آرژانتین حقانیتش را ثابت کرد، این روزها با اتهاماتی روبه‌رو شده که تصویرش را مخدوش کرده و بدتر اینکه فرصت دفاع از خودش را هم پیدا نمی‌کند.

اگر پروژه جوانگرایی تقریبا با موفقیت انجام شده و کی‌روش توانسته بازیکنان کم‌تجربه و گمنام را وارد چرخه تیم‌ملی کند، در بیرون زمین او تیمی که حامی‌اش باشد را نمی‌بیند. کی‌روش با تیمش در حالی قدم به میدان رقابت گذاشته که خیالش از پشت‌جبهه راحت نیست. سفر به گوام تازه‌ترین نمونه از پشتیبانی ضعیف فدراسیون است، وقتی هواپیمای چارتر تیم ملی لغو شد و تعدادی از بازیکنان اصلی بدون ویزا از سفر جا ماندند.

در فدراسیون و اطراف تیم ملی، گروهی نه‌تنها موضع حمایتی ندارند که مواضع‌شان نسبت به کی‌روش خصمانه است، بی توجه به اینکه این مربی به‌قول برخی اجنبی، هدایت تیم ملی ایران را بر عهده دارد و شلیک به سمت او می‌تواند کشتی تیم‌ملی را هم غرق کند. کی‌روش قبلا به کنایه گفته بود که مواضع در طبقات مختلف فدراسیون متفاوت است و حالا زاویه میان مدیران مختلف فدراسیون به بیشترین حد رسیده.

فدراسیون حالا تیم دیگری به نام تیم امید دارد که بیشتر رقیب تیم ملی است تا پشتوانه آن. تیمی که تشکیلات و بودجه مستقلی دارد و شعارش، «حسرت ۴۰ ساله صعود به المپیک» تبدیل به اهرم فشاری به کی‌روش و تیم ملی شده. تیمی که سرسخت‌ترین منتقد کی‌روش را با شرح وظایف مبهم، با عنوان مدیر فنی روی نیمکتش دارد و در مناظره تلویزیونی با رییس فدراسیون به‌تندی به تیم ملی می‌تازد. بحث اینکه اصولا مسابقات فوتبال المپیک و صعود به این مسابقات چه اهمیتی برای فوتبال یک کشور دارد زمان دیگری می‌طلبد، ولی قرار دادن این تیم مقابل تیم‌ملی، فقط در فدراسیونی ممکن است که کنترل آن مدت‌هاست از دست رییسش خارج شده و هر گوشه برای خودش جزیره مستقلی است.

در این وضعیت، کی‌روش باهوش‌تر از آن است که نداند نمی‌تواند به‌تنهایی تیم‌ملی را به روسیه برساند. او علاقه ندارد به راه رفتن روی لبه پرتگاه ادامه دهد، پس قبل از بازی با گوام بحث استعفا را مطرح می‌کند و پیش از بازگشت به تهران از شروطش برای ادامه همکاری می‌گوید؛ تهدیدی که از دفعات قبل جدی‌تر است. احتمال این جدایی وقتی بیشتر می‌شود که شایعه پیشنهاد باشگاه چینی به کی‌روش را هم در نظر بگیریم، شاید در میانه راه مسکو تصمیم بگیرد مسیرش را به سمت شرق آسیا کج کند.

او قرار است پنج‌شنبه برای چندمین بار مقابل کفاشیان بنشیند و ما فقط می‌توانیم امیدوار باشیم که رییس فدراسیون این بار موضوع را کاملا جدی گرفته باشد. کفاشیان هم مثل کی‌روش باید به این نتیجه برسد که ادامه همکاری با شرایط فعلی غیرممکن است، حتی با وجود پروژه جوانگرایی که از چند ماه پیش کلید خورده است. اگر او مصمم است که از مربی پرتغالی حمایت کند، باید از حرکت زیگزاگی دست بردارد و تمام‌قد پشت تیم ملی بایستد. ولی اگر این توانایی را در فدراسیون نمی‌بیند، بهتر است که تیم ملی در ادامه مسیر با آرامش پیش برود، حتی به قیمت خداحافظی با کی‌روش.

ما و کی‌روش

سعید زاهدیان
Saeed Zahedian

لابد می‌پرسید داستان از چه قرار است؟ الان برای‌تان توضیح می‌دهم. خواندن این مقدمه برای مخاطبانی که دوشنبه شب پیش از برنامه نود خوابیده‌اند و حال در پی اصل ماجرا هستند، لازم است؛ آنهایی که صبح امروز در شبکه‌های اجتماعی و سایت‌ها نام کارلوس کی‌روش را کنار روزنامه ایران ورزشی دیده‌اند و دست و پا شکسته در جریان گزارش روزنامه پیرامون احتمال استعفای کی‌روش قرار گرفته‌اند و می‌خواهند بدانند که در برنامه نود چه مسائلی گذشت و چگونه ماجرای استعفا مطرح شد. دوشنبه شب عادل فردوسی‌پور صفحه نخست روزنامه‌های چاپ سه‌شنبه را نشان داد و روی جلد ایران ورزشی که تیترش این بود مکث کرد: «بازی آخر! کی‌روش پس از بازی با گوام و بازگشت به ایران استعفا می‌دهد.» فردوسی‌پور برای پی بردن به صحت و سقم خبر با افشین پیروانی در گوام ارتباط مستقیم گرفت. زمانی که از مدیر تیم‌های ملی سوال شد که «آیا استعفای کی‌روش صحت دارد»، پیروانی که به نظر می‌رسید از شنیدن این سوال جا خورده، بی‌آنکه اصل مطلب ایران ورزشی را خوانده باشد از اساس خبر را تکذیب و در ادامه اتهام حاشیه‌سازی و شایعه‌پردازی را متوجه منتشرکننده این خبر کرد که واکنش ما را به دنبال داشت. پس از حرف‌های پیروانی چاره‌ای وجود نداشت تا با برنامه نود تماس بگیریم و توضیحات خود را ارائه کنیم. به همین دلیل بنده به عنوان سردبیر روزنامه ایران ورزشی برای دفاع از اعتبار و حقانیت روزنامه روی خط نود حاضر شدم و ضمن اعلام منبع خبر - که همان مدیر رسانه‌ای تیم ملی بود - با قاطعیت از درست بودن خبر خود دفاع کردم تا روشن شود که ایران ورزشی نه‌تنها اهل حاشیه‌سازی و شایعه‌پردازی نیست که خبری درست، صحیح و کامل را منتشر کرده است. دیروز صبح پس از بازی با گوام، کارلوس کی‌روش در کنفرانس مطبوعاتی‌اش هم با تایید خبر ایران ورزشی ادامه همکاری با تیم ملی ایران را به جلسه با کفاشیان موکول کرد و از ناامیدی‌اش سخن گفت و توضیح داد که شاید راهش از تیم ملی جدا شود. در راستای اتفاقاتی که پس از برنامه نود - از صبح سه‌شنبه تا پایان زمان چاپ روزنامه - رخ داد، ذکر چند نکته برای مخاطبان ضروری است.

[01] روزنامه ایران ورزشی و خبرنگارانش آنقدر حرفه‌ای و نکته‌سنج هستند که اگر ذره‌ای تردید و شک در اصل ماجرا داشتند، در آستانه بازی تیم ملی چنین خبری را منتشر نمی‌کردند. این بدیهی‌ترین مساله است که هر خبرنگار تازه‌کاری می‌داند در آستانه بازی تیم ملی نباید حاشیه‌ای درست کرد اما مساله اینجاست که در انتشار این خبر اول اطمینان از درست بودن آن لحاظ شده و در متن آن که در ادامه توضیح داده خواهد شد، به نکاتی پرداختیم که در دفاع از سرمربی تیم ملی بوده و ایران ورزشی در آن نوشته، به مسوولان فدراسیون فوتبال و دستگاه ورزش این آگاهی را داده که سرمربی تیم ملی از نداشتن امکانات و عدم حمایت ناراحت است و باید به حرف‌های او توجه شود.

[02] هیچ الزامی وجود ندارد که یک رسانه منبع خبری خود را افشا کند؛ایران ورزشی با این پیش‌فرض که لازم نیست نامی از منبع خبر را در گزارش خود بیاورد به انتشار دلایل ناراحتی کی‌روش پرداخت اما وقتی افشین پیروانی به عنوان مدیر تیم‌های ملی در گفت‌وگوی زنده تلویزیونی مقابل میلیون‌ها بیننده تدبیر لازم را به خرج نداد و انگشت اتهام‌اش را به سمت ایران ورزشی گرفت، در دفاع از اعتبار خود ناچار به ذکر منبع شدیم. افشین پیروانی اگر مدیر مدبری بود، با این آگاهی که بعد از بازی کارلوس کی‌روش در مصاحبه‌اش به نوعی به مشکلاتش با فدراسیون اشاره خواهد کرد، می‌توانست ضمن تکذیب نکردن حقیقت، همه را به آرامش دعوت و این مباحث را به پس از بازی موکول کند تا در فضایی آرام از زبان خود کی‌روش به این گزارش پاسخ داده شود؛ نه اینکه بدون خواندن متن گزارش با پیش‌داوری، اتهام حاشیه‌سازی را متوجه رسانه‌ای کند که حامی کی‌روش و تیم ملی ایران بوده، هست و خواهد بود.

[03] برخی از دوستان معتقدند که در برنامه نود بهتر بود نامی از محسن معتمدکیا مدیر رسانه‌ای تیم ملی به میان نیاید ولی در شرایطی که افشین پیروانی با تکذیب تیتر ایران ورزشی ذهن مخاطبان میلیونی برنامه نود را به سمتی برد که ایران ورزشی در حال شایعه‌سازی است، به ناچار مجبور به ذکر منبع شدیم. شاید لازم باشد پیرامون مدیر رسانه‌ای تیم ملی توضیحاتی ارائه کرد. محسن معتمدکیا از خبرنگاران خوشنام و با سابقه رسانه‌های کشور است که ارتباط خوبی با خبرنگاران برقرار کرده و کوشش او ایجاد ارتباط و تعامل در کنار حمایت از تیم ملی بوده است. مدیر رسانه‌ای تیم ملی از ایران ورزشی می‌خواهد که ضمن حمایت از تیم ملی به دغدغه‌های کی‌روش اشاره شود که حرف‌های او از سر دلسوزی و خیرخواهی بوده و در حسن نیت محسن معتمدکیا تردیدی وجود ندارد.

[04] آنهایی که گزارش روزنامه ایران ورزشی در خصوص استعفای کی‌روش را خوانده‌اند می‌دانند که در آن مطلب به ناراحتی‌ها و دغدغه‌های سرمربی تیم ملی پرداخته شده. دلخوری کی‌روش ۳ دلیل عمده دارد؛نبود امکانات و نیمه‌کاره رها شدن پروژه مرکز تخصصی تیم‌های ملی، اتهامات و تهمت‌هایی که در چند ماه اخیر متوجه شخصیت سرمربی تیم ملی شده، عملی نشدن وعده‌هایی که در گذشته به او درباره بازی‌های تدارکاتی و اردوها داده‌اند که تا امروز محقق نشده است. ایران ورزشی در گزارش خود ضمن حمایت از کی‌روش به این مساله پرداخته که باید به خواسته‌های کی‌روش اهمیت داده شود. بارها این مسائل در روزنامه ما مورد نقد قرار گرفته که چرا به درخواست‌های سرمربی تیم ملی توجه نمی‌شود و مگر او امکانات، اردوهای تدارکاتی و بازی‌های دوستانه را برای شخص خود می‌خواهد؟ اگر مرکز تخصصی تیم‌های ملی افتتاح شود، فوتبال ایران تا سال‌های سال می‌تواند از این امکانات بهره‌مند شود. بارها در ایران ورزشی به توانایی‌های کی‌روش اشاره شده است؛ مردی که از فوتبال روز دنیا آمده و می‌تواند ما را به سطح بین‌المللی نزدیک کند. باور ما این است که کارلوس کی‌روش یک مربی بین‌المللی و کارآمد برای فوتبال ایران است که هرگز نتوانسته‌ایم به بیش از نیمی از توانایی‌هایش برسیم. او ما را به جام جهانی ۲۰۱۴ رساند، تغییر نسل در تیم ملی را آغاز کرد و حالا می‌خواهد تیمی برای آینده بسازد اما در این راه با موانع و مشکلات زیادی روبه‌رو است. او مدام اعتراض می‌کند، از کمبود امکانات گلایه دارد، زمین تمرین خوب می‌خواهد، مطالبه‌اش بازی تدارکاتی با تیم‌های درجه اول است. چه کسی را می‌شناسید که با اینها مخالف باشد و سرمربی تیم ملی را به بهانه این مطالبات نقد کند؟ در این حرف‌های درست کی‌روش، در اینکه او برای فوتبال ایران می‌جنگد و گاه و بی‌گاه خسته از بی‌امکاناتی و نبود فضای ایده‌آل کار دم از جدایی و رفتن می‌زند بحثی نیست. او هم مثل هر آدمی خسته می‌شود، کم می‌آورد و مثل امروز امیدهایش ناامید می‌شود اما باید او را درک کرد و در این میان ما رسانه‌ها شاید مسوولیتی بزرگتر داشته باشیم. آنچه در قالب کلیشه‌ای بارها و بارها گفته‌ایم و شنیده‌ایم «رسالت یک رسانه» شاید همین‌جا معنا پیدا می‌کند. ما در این مسیر همراه کی‌روش هستیم، او را درک می‌کنیم و برای کمک به سرمربی تیم آماده‌ایم و از هیچ کوششی هم دریغ نمی‌کنیم اما این بدان معنا نیست که در نقد کی‌روش و تیمش سخنی نگوییم و چیزی ننویسیم بلکه خیال ما این است همین بحث و جدل‌ها از دل همین غرولندهای گاه و بی‌گاه کی‌روش و نقدها و نوشته‌ها، یک ایده، یک فکر تازه و یک نگاه جدید پدید می‌آید که از کی‌روش به ما، از ما به او؛ می‌تواند به باز شدن کلاف گنگ و سردرگم فوتبال ایران کمک کند.

پسا کی‌روش!

حسین مسلم
Hossein Moslem

این مثل را همه ما شنیده‌ایم، سیبی که به هوا پرتاب می‌شود، هزار چرخ می‌خورد؛ اگر این مثل در هر جای این دنیا صادق باشد، همه می‌دانیم که همین سیب در این مملکت، ده هزار چرخ می‌خورد! از این روست که مطلقا به دنبال آن نیستیم که اشاره کارلوس کی‌روش درباره استعفایش از سرمربیگری تیم ملی را پایان کار این مربی بدانیم و به اصطلاح قضیه را تمام شده تلقی کنیم و امروز بنشینیم و در این مورد با قطعیت صحبت کنیم. بی تردید، بعد از بازگشت تیم ملی از گوام، کی‌روش و مسوولان فدراسیون پشت درهای بسته خواهند نشست و ساعت‌ها بر سر و کله یکدیگر خواهند زد و در نهایت نیز مطلقا معلوم نیست که کی‌روش بعد از این اعلام استعفای نیم بند، می‌رود یا می‌ماند؟ با این حال، رفتن کی‌روش یک روی سکه‌ای است که هم‌اکنون به هوا پرتاب شده و در حال چرخیدن است. اگر آن روی سکه بنشیند و کی‌روش واقعا رفتنی باشد، در دوران«پسا کی‌روش»(!) چه برگ‌هایی رو خواهد شد و چه انتظاری باید داشت؟

حالت اول (مربی ایرانی)- قرار نیست از نزدیک دستی بر آتش فوتبال ایران داشته باشی تا بتوانی تجزیه و تحلیل کنی که در چنین فضای غبارآلوده‌ای، آن هم بعد از این پنج سالی که کارلوس کی‌روش سکان تیم ملی را به دست داشته، کار کردن با تیم ملی ایران برای یک مربی ایرانی، کاری است به مفهوم واقعی کلمه کارستان. کدام مربی ایرانی است که در چنین مکاره‌بازاری جسارت نشستن بر نیمکت تیم ملی را داشته باشد. حتی قدرترین مخالفان کی‌روش نیز می‌دانند که کار کردن یک مربی ایرانی در این شرایط تقریبا محال است.

حالت دوم (مربی خارجی)- مربی جایگزین کی‌روش در رده بندی مربیان خارجی، یا در سطحی پایین‌تر از او خواهد بود یا در سطحی بالاتر از او. بی‌گمان، با یک مربی متوسط و پایین‌تر از کی‌روش، نمی‌توان فضا را آرام کرد و شرایط را برای کار این مربی جایگزین مهیا ساخت. طرفداران دوآتشه کارلوس کی‌روش که جای خود، حتی مخالفان او نیز پای مربی کوچکتر از او را نرسیده به نیمکت تیم ملی قلم خواهند کرد و جهنمی روانی به وجود خواهند آورد که شعله‌هایش خود نیمکت را هم خواهد سوزاند. از این زاویه اصولا به نظر می‌رسد مربیانی در این سطح از چارچوب بحث به خودی خود، خارجند.

می‌ماند جذب یک مربی در سطحی بالاتر از کی‌روش؛ و گزینه‌ای که به لحاظ فردی، شک و شبهه‌ای برای کسی باقی نگذارد. نخست اینکه آیا اصولا فدراسیون ما امکانات جذب مربیانی در اشلی بالاتر از او را دارد؟ ناگفته پیداست که جذب مربیانی در کلاس اول جهانی به فراخور جیب گل و گشاد و پر از پولی می‌خواهد که با آنچه از فدراسیون فوتبال خودمان دیده و شنیده‌ایم، همخوانی ندارد. دوم اینکه این مربی جایگزین نیز در ادامه- با اندکی بالا و پایین- به همان جایی خواهد رسید که کی‌روش و امثال کی‌روش می‌رسند. با توجه به ساختار معیوب فوتبال ما و تعارضی که با روند بسامان و حرفه‌ای شسته و رفته دارد، بار دیگر مطالبات یک مربی کارکشته و حرفه‌ای گرفتار دام تناقض‌ها و تضادها و اختلاف نگاه‌ها خواهد شد وکار را به گرفتاری و مجادله خواهد کشاند و همان کاسه خواهد بود و همان آش. از همه اینها گذشته، در چهار ماه مانده به بازی بعدی تیم ملی در مقدماتی جام جهانی و کمتر از ۱۰ ماه به دور بعدی و نفسگیر بازی‌ها، فرصت جمع کردن تیم را خواهد داشت؟ مربیان رده بالا معمولا با اعمال روش‌های کلاسیک و زمانبر، کار را آغاز و با طمأنینه آن را پیش می‌برند. به عقیده شما، آیا فدراسیون ما اصولا قدرت چنین ریسکی را دارد؟

ایران ورزشی
GUAM IRAN
9:00
سال نوزدهم ■ شماره ۵۲۲۷ ■ سه شنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۴ ■ ۵ صفر ۱۴۳۷ No.5227 17 Nov 2015
کی روش بعد از مسابقه با گوام و بازگشت به ایران استعفا می دهد
بازی آخر!
ادعای فرگوسن در کتاب تازه‌اش/کی‌روش تنها نامزد جانشینی من بود
شوالیه برای المپیک می‌آید
فاجعه میزبانی
باید عذرخواهی کنند
۳ میلیارد تومان دستمزد هفتگی
با بنیتس به هیچ جا نمی‌رسیم!

بی‌تجربگی پیروانی در برنامه نود

افشین نمی‌داند که نمی‌داند!

حمیدرضا عرب
Hamidreza Arab

«آرام، آرام امیدها و اعتقادهایم را نسبت آینده تیم ملی از دست می‌دهم. همکاری‌ام با تیم ملی بستگی به کفاشیان دارد.» شنیدن همین جملات کوتاه از زبان کارلوس کی‌روش در نشست خبری پس از بازی با گوام کافی بود تا پی ببریم به دغدغه‌های بی‌پایان سرمربی تیم ملی. کی‌روش با اعلام جدایی قریب‌الوقوعش از تیم ملی مهر تایید زد بر تیتری که سه‌شنبه صبح نقش بست بر صفحه یک ایران ورزشی. جمله کوتاه بود و گویا: «بازی آخر!» برای کارلوس کی‌روش نیز که هیچ کدام از توقعاتش برآورده نشده و به اذعان خود ادامه راه برایش غیرممکن است بازی با گوام می‌تواند آخرین ایستگاه همکاری با تیم ملی ایران باشد. حال افشین پیروانی که دوشنبه شب با چهره‌ای برافروخته ایران ورزشی را متهم به جوسازی علیه تیم ملی می‌دانست چه پاسخی دارد؟ آیا معنی و مفهوم آنچه سه‌شنبه صبح روی صفحه نخست ایران ورزشی نقش بست با آنچه کی‌روش ساعاتی بعد در نشست خبری پس ازبازی به زبان آورد، یکسان نیست؟ کی‌روش به طی طریق با تیم ملی ایران به دلایلی که بارها به آن اشاره شد، ناامید است و در عین حال مدیر تیم ملی بی‌جهت می‌کوشید این فضا را تلطیف کند، در حالی که اساسا بازی با گوام چالش خاصی نبود که مدیر تیم‌های ملی حاشیه‌سازی‌ها را عاملی در راستای بر هم خوردن نظام فکری تیم ملی می‌دانست. افشین که فردی شناخته شده در فوتبال است اگر آگاهی و اطلاعاتش را از محیط پیرامون افزایش می‌داد و با کسب آمادگی روی خط برنامه می‌آمد، هرگز آن شب به خود اجازه نمی‌داد که ایران ورزشی را متهم به جوسازی و حاشیه‌سازی علیه تیم ملی کند کما اینکه در سرمقاله همان روز که به قلم نگارنده منتشر شد نیز اشاره واضح و روشنی شد به صدمات و بازخوردهای منفی جدایی سرمربی تیم ملی در این برهه. ایران ورزشی که از دیدگاه مدیر تیم‌های متهم است به سنگ‌اندازی علیه تیم ملی درست در همان روز که تیتر: «بازی آخر» نقش بست در دو مطلب جداگانه به بایدهای حفظ سرمربی تیم ملی اشاره داشت و بعد از این هم همان سیاست را خواهد پیمود و اگر افشین به خود زحمت خواندن چند خط از آن مطالب را می‌داد هیچ‌گاه اتهامی را به ایران ورزشی وارد نمی‌کرد. لاقل پیروانی می‌توانست نسبت به آن تیتر و آن گزارش اظهار بی‌اطلاعی کند اما عجبا که افشین نیز بی‌آنکه آگاهی لازم از مکنونات ذهنی کارلوس کی‌روش داشته باشد و بداند که در مخیله سرمربی تیم ملی چه می‌گذرد اصرار داشت به سوال‌های عادل فردوسی‌پور درباره گزارش منتشره پاسخ دهد. افشین به سادگی می‌توانست با یک جمله کوتاه و بیان اینکه در این‌باره باید از خود کی‌روش سوال شود، از پاسخگویی به این سوال خلاص شود اما پیروانی به دلایل واهی مصر بود که پاسخی به سوال مجری برنامه نود بدهد. پیدا بود که افشین پیروانی چندان با زوایای کار در چنین حوزه‌ای آشنا نیست و شاید همان بهتر که افشین به مربیگری بپردازد تا بخش‌های مهمی همچون مدیریت تیم‌های ملی که نیاز به کوله‌باری از تجربه و خویشتنداری دارد. پیروانی اصولا برای چنین جایگاهی هم ساخته نشده و اصول حکم می‌کند مردانی به عنوان مدیر تیم‌های ملی به فعالیت بپردازند که در شرایط بحرانی فوت و فن خارج شدن از بحران‌های احتمالی را بدانند. حال که افشین تکذیب کرده جدایی احتمالی را و کی‌روش ساعاتی بعد تایید، این خود نشان می‌دهد که هیچ ارتباط تنگاتنگی میان مدیر تیم‌های ملی و سرمربی وجود ندارد یا افشین نتوانسته در این زمان کوتاه رابطه مطلوبی را با سرمربی تیم ملی برقرار کند.

***

و باز هم می‌رسیم به این پرسش که به واقع افشین پیروانی چگونه به خود اجازه می‌دهد رسانه‌ای که از بدو حیات، حامی تیم‌های ملی بوده را به حاشیه‌سازی یا حاشیه‌نگاری متهم کند ؟ آیا ماهیت ایران ورزشی همان است که افشین پیروانی می‌کوشد به بینندگان برنامه نود القا کند؟ پاسخ روشن است. نگاهی به آنچه از زمان حضور کی‌روش در تیم ملی ایران در ایران ورزشی گذشته نشان می‌دهد که خط مشی‌ها چگونه ترسیم شده است و ایران ورزشی چه زاویه نگاهی دارد. اصولا مدل روزنامه‌نگاری ایران ورزشی تفاوت بسیار دارد با آنچه مدیرتیم‌های ملی تصور می‌کند. ایران ورزشی کما فی‌السابق بر خود واجب می‌داند درعین حال که به نقدهای سازنده ادامه می‌دهد و کمی‌ها و کاستی‌ها را گوشزد می‌کند، خط مشی حمایتی از تیم ملی را همچون گذشته رعایت و در این راه قدم بردارد. حال ممکن است سوءبرداشت‌هایی باشد نظیر آنچه افشین پیروانی بیان و سعی در آگراندیسمان و القای غلط ماجرا داشت.

از موتور گازی به جای بنز تا پولشویی!

امیر اسدی
Amir Asadi

تیتر «موتور گازی به جای بنز» را یادتان هست؟ تیتری که در بازه زمانی بعد از جام جهانی و دقیقا زمانی که کی‌روش و فدراسیون برای تمدید قرارداد با یکدیگر مشکل داشتند روی جلد ایران ورزشی قرار گرفت و البته موجی از انتقاد را هم در پی داشت. آن هم وقتی صحبت از حضور مربی ایرانی به جای کی‌روش روی نیمکت تیم ملی مطرح شد. آن زمان مربیان ایرانی از این تیتر خرده گرفتند و بارها در باره‌اش صحبت کردند. اگر چه بعدها خودمان هم به این مساله اعتراف کردیم که آن تیتر تند بود و شاید موضع گرفتن و فرق گذاشتن میان مربیان خارجی و داخلی نباید اینگونه مطرح می‌شد. آن روزها هم ایران ورزشی، کی‌روش را یک مربی با دانش و صاحب سبک معرفی می‌کرد که می‌تواند فوتبال ایران را به موفقیت‌های گوناگون برساند. ایران ورزشی از آن زمان تا امروز، موضع حمایت از تیم ملی را در دستور کار قرار داده. هم در بازه برگزاری جام جهانی ۲۰۱۴ که تیترهایی حمایتی روی جلد خود قرار داد و هم در جام ملت‌های آسیا که سعی کرد از تیم ملی، کارلوس کی‌روش و بازیکنان بیشترین حمایت را انجام بدهد. البته در این میان انتقادهایی هم وارد بود. مثل جلد ایران ورزشی در روز هفتم مرداد ماه ۱۳۹۴ که از تعداد روزهای مرخصی کی‌روش ایراد گرفت و از او به عنوان پروازی ترین مربی تاریخ نام برد. در مجموع، اگر تمام این روزها و ماه‌ها را تحلیل کنیم، علی رغم انتقاداتی که به کی‌روش و تیم ملی داشتیم، روند ایران ورزشی اما با انتقادهایی که کم و بیش انجام می‌شد، حمایت از تیم ملی بوده و هست. بخصوص در روزهایی که تیم ملی در اردو حضور دارد و یا در مسابقات مقدماتی جام جهانی گام برمی دارد. فارغ از هر شایعه‌ای که در این زمینه وجود دارد، ایران ورزشی سعی کرده به بهترین شکل از تیم ملی و شخص کارلوس کی‌روش حمایت کند چون تصور این است که موفقیت تیم ملی برای ایران است و باعث سربلندی کشور. این روند حمایتی را می‌توان با سند به اثبات رساند. نوشته‌ها و محتوای تحلیل‌ها موجود است و نشان می‌دهد که روند، روندی حمایتی بوده و از این پس هم خواهد بود. به همان شکل گذشته و با همان رویه‌ای که ایران ورزشی در سال‌های گذشته پیش گرفته. تصور اولیه از تیتر دیروز ایران ورزشی، شاید حاشیه‌سازی برای تیم ملی باشد اما در متن به حمایت از کی‌روش و خواسته‌هایش پرداخته شده و از ناراحتی او بابت نداشتن امکانات پرده برداشته‌ایم. نه حاشیه‌ای برای تیم ملی به وجود آمد و نه بحثی. تیم ملی بازی مقابل گوام را طبق پیش بینی‌ها برد و پس از آن کی‌روش ناراحتی‌اش را بیان کرد، همانطور که ایران ورزشی نوشته بود. حالا هم رویکرد ایران ورزشی حمایت از کی‌روش و تیم ملی در ادامه راه است. روزنامه‌ای که تاریخی ترین تیتر را در حمایت از کی‌روش -درست یا اشتباه- روی جلد خود برده و درباره‌اش نوشته، همچنان هم حامی او و تیمش است. بدون کم و کاست و درست مثل گذشته.

این هم نمونه‌ای از تیترهای ایران ورزشی که رندوم انتخاب شده:

۹۳/۳/۲۴: امیدهای پررنگ کی‌روش
۹۳/۳/۲۵: ایران به توپ می‌بندد
۹۳/۳/۲۶: امشب همه یک واژه‌ایم: «ایران»
۹۳/۳/۳۱: دفاع ۸۰ میلیونی
۹۳/۴/۱: یازده شیر یک جلاد
۹۳/۴/۸: موتور گازی به جای بنز
۹۳/۶/۱۷: کی‌روش: برنامه‌ای برای بازگشت به ایران ندارم
۹۳/۱۰/۱۷: کی‌روش: با ۱۴ نفر حمله می‌کنیم، با ۹ بازیکن دفاع
۹۳/۱۰/۲۲: ایران ۲ - بحرین صفر، شکار شغال
۹۳/۱۰/۳۰: ایران یک - امارات صفر، روز فرشته
۹۳/۱۱/۴: شکست ایران مقابل عراق، قساوت یا قضاوت؟!
۹۳/۱۲/۲۵: کی‌روش: بازی تمام شد، اخراجم کنید
۹۴/۶/۴: تغییر نسل با لیست جدید کی‌روش
۹۴/۶/۱۴: کی‌روش: اگر مشکل من هستم می‌روم
۹۴/۷/۱۴: اتهام: پولشویی
۹۴/۸/۱۹: کی‌روش تمرین تازه رو کرد
۹۴/۸/۲۰: کی‌روش مرد اول تمرین
۹۴/۸/۲۳: ایران ۳ - ترکمنستان یک، جوانه‌ها
۹۴/۸/۲۸: بازی آخر

چالش‌های بزرگتر برای مدیران فوتبال ایران

این است که کی‌روش را می‌خواهیم

فرشاد کاس‌نژاد
Farshad Casnejad

این استعفای کی‌روش و کوشش برای رسیدن خودش و تیم ملی به مطالبات تازه، شاید بازی رسانه‌ای کی‌روش برای ساختن فضای بهتر حوالی خودش باشد اما سرنوشت فوتبال ایران با همین موضوع گره خورده که چه امکاناتی برای کار بیشتر ایجاد می‌شود. معجزه کی‌روش همین ساختن است و او برای ساختن، امکانات بهتر طلب می‌کند. معجزه کی‌روش همین جریان‌سازی‌ها هم هست، اینکه بتواند مدیران فوتبال ایران را به کارهای بزرگتر دعوت کند و برای آنها چالش‌های بزرگتر بسازد. این است که کی‌روش را می‌خواهیم وگرنه چه کسی حوصله جدل‌های رسانه‌ای او و اغراق‌هایش درباره پیروزی مقابل ترکمنستان و گوام را دارد؟

کی‌روش را نه فقط با عنوان کارلوس کی‌روش، بلکه به عنوان نمادی از حضور مربیان خارجی در ورزش ایران باید دید و به بررسی‌اش نشست. درباره او فارغ از موفقیت‌ها و ناکامی‌ها، فارغ از سوءرفتارها و بدخلقی‌ها و زیاده روی‌هایش نیز باید بحث کرد. او با این اعلام استعفای آخرش، با مطالباتی که سختگیرانه‌تر از پیش مطرح کرده، دنبال ساختن فضایی بهتر برای کار و دنبال بیرون راندن مخالفان از این رینگ خودساخته است اما مطالبات او برای تیم ملی هم می‌تواند اتفاقات بهتری را رقم بزند. فوتبال ایران اگر به مربیان خارجی درجه اول نیاز دارد، یک دلیل مهم‌ترش این است که به واسطه حضور آنها خود را اصلاح کند و در زیرساخت‌ها و امکانات تکانی بخورد، همان تحرکی که بدون حضور درجه اول‌ها و بدون مطالبات و سختگیری‌های آنها بعید است نصیب فوتبال ایران - با این مدیرانش- بشود.

با کارلوس کی‌روش از روزهای آغازین ورودش با این نگاه و با این دغدغه‌ها شروع کردیم که معجزه‌اش باید ساختن باشد، از نوع معجزه مربیانی که هنوز ساختن را مربیگری می‌دانند. اردشیر لارودی در نخستین روزهایی که کارلوس کی‌روش به فوتبال ایران آمد، اینچنین خوشامد گفته بود: «کی‌روش از مربیان متعارف امروزی فوتبال نیست. در گذشته، ۳۰ یا ۴۰ سال پیش، مربی بازیکنش را می‌ساخت، مربی تعمیرکاری نیز می‌کرد ولی امروزه نه فقط در مربیگری بلکه در هر کاری فقط قطعه عوض می‌کنند، ساختن به معنای قدیمی‌اش دیگر جایی در افکار آدم‌ها ندارد. شاید از آخرین بازمانده‌های نسلی که می‌ساخت و تغییر می‌داد، کی‌روش باشد. تصور من این است که کی‌روش به ساختن علاقه‌مند است و در مربیگری با تولید بازیکن ارضا می‌شود و از تاثیرگذاری نوع مورینیو لذت نمی‌برد. در فوتبال ما اتفاقا به همین نوع مربی نیاز داریم چون بازیکنانی داریم که قابل تغییر یافتن و ساخته شدن هستند.» اردشیر لارودی برای آنکه دقیق‌تر بگوید کی‌روش از کدام دسته است، مثال‌هایی را از فوتبال ایران مطرح کرده: «رایکوف، استاد این کار بود، استاد ساختن و تربیت کردن. همه مربیان یوگسلاوی سابق همین بودند. آنها آموخته بودند که باید بسازند و بفروشند. درآمد فوتبال آنها از تبلیغات و... نبود. آن سال‌ها تبلیغات معنایی نداشت. ایویچ که کار در آژاکس را نیز تجربه کرده بود از همین تبار مربیان بود. او در تیم‌ملی ایران می‌خواست دفاع خودش را بسازد، با مدافعانی تازه که ۲-۴-۴ را آنطور که ایویچ می‌خواست بازی کنند. ۷ گل از رم خورد و نترسید اما فرصت چندانی برای ساختن نیافت. حتی بلاژویچ هم مثلا نیکبخت را به حمله برد و از نکونام جانشین بهتری برای کاویانپور ساخت. رحمان را آورد و...» موضوعی که این روزها نیز باید مطرحش کرد را اردشیر لارودی پیش‌ترها مطرح کرده بود؛ اینکه آیا کی‌روش برای ساختن و تغییر دادن و تعمیر کردن در فوتبال ایران، در این معدنی که در آن جست‌وجو می‌کند، چیزی در خور ساختن تیمی بزرگ می‌یابد؟ اردشیر لارودی اینچنین بحث را باز کرده و گسترش داده بود: «باید ببینیم چقدر قابلیت استفاده از کی‌روش را داریم. من به زیرساخت‌های فکری فوتبال ایران اشاره دارم. یک روزی بیلی بینگهام به ایران آمد تا کلاس‌های ۲ ماهه سری «آ» را برگزار کند. پس از چند روز گفت هم زمان این کلاس‌ها باید کوتاه شود و هم سطح کلاس از «آ» به «ب» منتقل شود. مربیانی که در لیگ برتر فوتبال ایران هم کار می‌کردند، ظرفیت پذیرش کلاس‌های بیلی بینگهام را نداشتند. حالا باید دید که فوتبال ایران ظرفیت کار با کی‌روش را دارد؟ »

> «باید ببینیم چقدر قابلیت استفاده از کی‌روش را داریم. من به زیرساخت‌های فکری فوتبال ایران اشاره دارم. یک روزی بیلی بینگهام به ایران آمد تا کلاس‌های ۲ ماهه سری «آ» را برگزار کند. پس از چند روز گفت هم زمان این کلاس‌ها باید کوتاه شود و هم سطح کلاس از «آ» به «ب» منتقل شود. مربیانی که در لیگ برتر فوتبال ایران هم کار می‌کردند، ظرفیت پذیرش کلاس‌های بیلی بینگهام را نداشتند. حالا باید دید که فوتبال ایران ظرفیت کار با کی‌روش را دارد؟»
> اردشیر لارودی

کی‌روش برای رسیدن به هدف‌هایش بی تردید باید بر مطالباتش پافشاری کند. کی‌روش اما این کار را همیشه با جنگ رسانه‌ای و با ساختن شائبه‌هایی مثل داستان آل اشپورت انجام می‌دهد. از این جریان‌سازی‌های بی‌مایه او که بگذریم، می‌رسیم به بحث اصلی، اینکه از او همین سختگیری‌ها را طلب می‌کنیم. در فوتبال ایران که در برنامه‌ریزی بلندمدت و در طراحی نقشه راه هرگز مدیریت نداشته، عجیب نیست که کی‌روش همیشه به برنامه‌های ویژه پناه ببرد. او پیش از جام جهانی ۲۰۱۴ برای‌مان مثالی زده بود: «اسپانیا ۷۰ تا ۸۰ سال طول کشید تا به قهرمانی رسید اما من فقط ۳ هفته وقت دارم که تیم را آماده حضور در جام جهانی کنم. کشورهای دیگر ۴۰-۳۰ سال زمان داشته‌اند تا آماده شده‌اند. پس نظرم این است که چاره‌ای نداریم جز اینکه برنامه‌های ویژه را انتخاب کنیم.» این نگاه کی‌روش است به فوتبال ایران و این چاره‌ای است که او پیدا می‌کند. گریزی هم نیست. وقتی پشتوانه‌ها به یاری نمی‌آیند باید از میانبرهای ویژه استفاده کنی. کی‌روش همیشه دنبال همین میانبرها است و مطالبات او برای جبران همین نقص‌های بزرگ و تاریخی در فوتبالی است که مدیریت نشده و بی حساب و کتاب پیش می‌رود، فوتبالی که کم کار می‌کند و آرزوهای بزرگ دارد.

این استعفای کی‌روش و کوشش برای رسیدن خودش و تیم ملی به مطالبات تازه، شاید بازی رسانه‌ای کی‌روش برای ساختن فضای بهتر حوالی خودش باشد اما سرنوشت فوتبال ایران با همین موضوع گره خورده که چه امکاناتی برای کار بیشتر ایجاد می‌شود. معجزه کی‌روش همین ساختن است و او برای ساختن، امکانات بهتر طلب می‌کند. معجزه کی‌روش همین جریان‌سازی‌ها هم هست، اینکه بتواند مدیران فوتبال ایران را به کارهای بزرگتر دعوت کند و برای آنها چالش‌های بزرگتر بسازد. این است که کی‌روش را می‌خواهیم وگرنه چه کسی حوصله جدل‌های رسانه‌ای او و اغراق‌هایش درباره پیروزی مقابل ترکمنستان و گوام را دارد؟